دعای غیبت

اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک

لم اعرف رسولک لم اعرف حجتک اللهم عرفنی رسولک

فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجتک اللهم عرفنی

حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی

دعای روشنائی چشم

اللهم انی اسئلک بحق محمد وآل محمد

علیک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل

النور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین

والسعة فی رزقی والشکر لک ابدا ما

ابقیتنی اللهم متعنی بسمعی وبصری

واجعلهما الوارثین منی وانصرنی علی من ظلمنی

وارنی فیه ثاری

اللّهم انی اسئلک بالمحمدیة المحموده

وبالعلویة العالیة وبالفاطمیة البیضاء

ان تتفضّل علینا بالرأفة والرحمة

یا خفی الالطاف نجّنا مما نحذر

ونخاف

دعاء صباح حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اللّهم یا من دلع لسان الصباح

خداوندا ای آنکه بیرون آورد زبان صبح را

بنطق تبلجه وسرّح قطع

بسخن گفتن و روشن بودن او و روانه کرد پارهای

اللهم انی اسئلک

وآل محمد والحجه وولده الطاهرین

اللیل المظلم بغیاهب تلجلجه

شب تار را بتاریکیهای تزلزل آن

واتقن صنع الفلک الدوار

و محکم کرد آفرینش آسمانهای گردان را

فی مقادیر تبرجه وشعشع

در اندازهای آراستگی آن و درافروخت

ضیاء الشمس بنور تأججه

روشنی آفتاب را بنور افروختگی آن

یا من دل علی ذاته بذاته

ای آنکسی که راه نمود خلایق را بر ذات خود بذات خود

وتنزه عن مجانسة مخلوقاته

و منزه است از همجنس بودن مخلوقات خود

وجل عن ملائمة کیفیاته

و بزرگست از ملایمت چگونگیهای خود

وتجعلها لی

شفاء من

کل داء وامانا

من کل خوف

وحفظا من

کل سوء

يا مَن قَرُبَ مِن خَواطِرِ الظُّنُونِ
ای آنکسی که نزدیکست از خاطرهای گمانها

وَبَعُدَ عَن مُلاحَظَةِ العُيُونِ
و دورست از دیدن چشمها

وَعَلِمَ بِما كانَ قَبلَ اَن يَكُونَ
و داناست بهر چیز که بوده است پیش از آنکه بوده باشد

يا مَن اَرقَدَنِي فِي مِهادِ اَمنِهِ
ای آنکه خوابانید مرا در بستر امن خود

وَاَمانِهِ وَاَيقَظَنِي اِلى ما مَنَحَنِي
و امان خود و بیدار گردانید مرا بسوی آنچه بخشید بمن

بِهِ مِن مِنَنِهِ وَاِحسانِهِ وَكَفَّ
از آنرا از جمله نعمتهای خود و احسان خود و باز داشت

اَكُفَّ السُّوءِ عَنِّي بِيَدِهِ وَسُلطانِهِ
دستهای بدی را از من بقوت خود و پادشاهی خود

صَلِّ اللّٰهُمَّ عَلَى الدَّلِيلِ
رحمت کن خدایا بر دلالت کننده بسوی

إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ الْأَلْيَلِ
تو در شب بسیار تار

وَالْمَاسِكِ مِنْ أَسْبَابِكَ
و چنگ زننده از سببهای تو

بِحَبْلِ الشَّرَفِ الْأَطْوَلِ وَ
بریسمان بزرگواری که بسیار رساست و

النَّاصِعِ الْحَسَبِ فِي ذِرْوَةِ
بلند مرتبه است در نسب پدران خود در بلندی سر دوش

الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ وَالثَّابِتِ
که خلقش تمامست و ثابت

الْقَدَمِ عَلَى زَحَالِيفِهَا فِي
قدمست بر مکانهای لغزش آن در

الزَّمَنِ الأَوَّلِ وَعَلَىٰ آلِهِ
زمانهای اول و بر آل او
الأَخْيارِ الْمُصْطَفِينَ الأَبْرارِ
گزیدگان و برگزیدگان و نیکوکاران
وَافْتَحِ اللّٰهُمَّ لَنا مَصارِيعَ
و بگشا خدایا بر ما درهای
الصَّباحِ بِمَفاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَ
صباح را بکلیدهای رحمت
الْفَلاحِ وَالْبِسْنِي اللّٰهُمَّ
فیروزی و بپوشان بر من خدایا
مِنْ أَفْضَلِ خِلَعِ الْهِدايَةِ
از بهترین خلعتهای هدایت
وَالصَّلاحِ وَاغْرِسِ اللّٰهُمَّ
و صلاح را و غرس کن خدایا

لِعَظَمَتِكَ فِی شِرْبِ جَنانی
برای عظمت خود درمکان آب خوردن دل من
یَنابیعَ الْخُشُوعِ وَاَجْرِ اَللّٰهُمَّ
چشمهای فروشی را وجاری کن خدایا
لِهَیْبَتِکَ مِنْ اٰماقِ زَفَراتِ
برای هیبت تو از گوشهای چشم من دانهای
الدُّمُوعِ وَاَدِّبِ اَللّٰهُمَّ نَزَقَ
اشک را واصلاح کن خدایا درشتی
الْخُرْقِ مِنّی بِاَزِمَّةِ الْقُنُوعِ
وکج خلقی را ازمن بمهارهای قناعت
اِلٰهی اِنْ لَمْ تَبْتَدِئْنِی الرَّحْمَةُ
خدای من اگر ابتدا نکند مرا رحمت
مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفیقِ فَمَنْ
از تو بنیکی تمهید اسباب توفیق پس کیست

السّالِكُ اِلَيكَ فِى وَاضِحِ

راه رو را بسوی تو در آشکار

الطَّرِيقِ وَاِنْ اَسْلَمْتَنِى اَناتُكَ

راه بندگی واگر واگذاری بصبر و مدارای تو

لِقَائِدِ الاَمَلِ وَالْمُنىٰ فَمَنِ

از برای رهنمای امید و آرزوها پس کیست

الْمُقِيلُ عَثَرَاتِى مِنْ كَبْوَةِ

صلاح کننده لغزش من از افتادن خواهش

الْهَوىٰ وَاِنْ خَذَلَنِى نَصْرُكَ

نفس واگر فروگذارد مرا یاری تو

عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَ

نزد جنگ نفس

الشَّيطَانِ فَقَدْ وَكَلَنِى

شیطان پس بتحقیق واگذاشته

خِذْلانُكَ اِلى حَيْثُ النَّصَبِ
خوارى تو بسوى جهة رنج

وَالْحِرْمانِ اِلٰهى أَتَراني ما
وبى بهره شدن خداى من مى بينى مرا كه

أَتَيْتُكَ اِلّا مِنْ حَيْثُ الْآمالِ
نيامدم بتو مگر از جهة اميدها

أَمْ عَلِقْتُ بِأَطْرافِ حِبالِكَ
يا در آويختم خود را بكنارهاى ريسمانهاى تو

اِلّا حينَ باعَدَتْني ذُنُوبي
مگر وقتى كه دور كرد مرا گناه من

عَنْ دارِ الْوِصالِ فَبِئْسَ الْمَطِيَّةُ
از دار وصال پس بد مركبيست

الَّتِى امْتَطَتْ نَفْسي مِنْ هَواها
آنچه مركب خود ساخته نفس من از خواهشهاى خود

فَوَاهاً لِمَا سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونُهَا

پس تعجب دارم از انچه ترتیب داد برای نفس من گمانها

وَمُنَاهَا وَتَبّاً لَهَا لِجُرأَتِهَا

و آرزوها و مقطوع باد او را جرأت او

عَلَىٰ سَيِّدِهَا وَمَوْلَاهَا اِلٰهِي

بر آقای خود و صاحب اختیار خود خدای

قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ بِيَدِ

کوبیدم در رحمت ترا بدست

رَجَائِي وَهَرَبْتُ اِلَيْكَ لَا

امید خود و گریختم بسوی تو در حالتی

جِئاً مِنْ فَرْطِ اَهْوَائِي وَ

که پناه آورنده ام از زیادتی هوسهای خود و

عَلِقْتُ بِاَطْرَافِ حِبَالِكَ

چسبانیدم بکنارهای ریسمانهای تو

أَنَا مِلُ وِلَائِي فَاصْفَحْ

سر انگشتان دوستی خود را پس درگذر

اَللّٰهُمَّ عَمَّا كَانَ أَجْرَمْتُهُ

خدایا از گناههای که کرده ام من از

مِنْ زَلَلِي وَخَطَائِي وَ

از لغزش و غلط خود

أَقِلْنِي اللّٰهُمَّ مِنْ صَرْعَةِ

خلاص کن خدایا از لغزیدن

رَدَائِي فَإِنَّكَ سَيِّدِي

هلاک من بدرستیکه توئی آقای من

وَمَوْلَايَ وَمُعْتَمَدِي

و صاحب اختیار من و محل اعتماد من

وَرَجَائِي وَغَايَةُ مُنَائِي

و امید من و نهایت مطلوب من

فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ
در جای انقلاب وجای اقامت من

اِلٰهِي كَيْفَ تَطْرُدُ
خدای چگونه دور میکنی از خود

مِسْكِيناً اِلْتَجَاَ اِلَيْكَ مِنَ
مسکینی را که پناه آورده است بسوی تو از

الذُّنُوبِ هَارِباً اَمْ كَيْفَ
گناهان در حالتیکه گریزانست یا چگونه

تُخَيِّبُ مُسْتَرْشِداً
ناامید میکنی جوینده خود را

قَصَدَ اِلٰى جَنَابِكَ
که میخواهد رسید بسوی جناب تو

سَاعِياً اَمْ كَيْفَ تَرُدُّ
ودر حالتیکه شتابانست یا چگونه رد میکنی

ظمانا

ظمآنًا وَرَدَ الی حیاضِک

تشنه را که رسیده بسوی حوضهای تو

شاربًا کلّا وحیاضُک

درحالیکه آشامیده است حاشا وحال آنکه حوضهای تو

مترعةٌ فی ضنکِ المحولِ و

پر است در تنگی قحطها

بابُک مفتوحٌ للطلبِ و

ودر تو بازاست برای طلب کردن

الوغولِ وانتَ غایةُ السؤلِ

وداخل شدن درآن وتوئی نهایت خواهش خواهشمند

ونهایةُ المأمولِ الهی

وآخر آرزوی آرزومندان خدای من

هذه ازمّةُ نفسی عقلتُها

این مهارهای نفس منست

اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید و بارک علی محمد و آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید

عَقَلْتُهَا بِعِقَالِ مَشِيَّتِكَ

که زانو بند کردم بند اراده تو

وَهٰذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي

و این بارهای گناهان من است

دَرَأْتُهَا بِرَحْمَتِكَ وَهٰذِهِ

که دفع کردم آنها را بیاری رحمت تو و این هر

أَهْوَائِي الْمُضِلَّةُ وَكَلْتُهَا

هواهای نفس منست که مرا بگمراهی میدارد و رها کردم ازرا

إِلَى جَنَابِ لُطْفِكَ

بسوی جناب لطف تو

فَاجْعَلِ اللّٰهُمَّ صَبَاحِي

پس بگردان خدایا صباح مرا

هٰذَا نَازِلًا عَلَيَّ بِضِيَاءِ

این فرود آینده بر من بروشنی هدایت

صلوات الله وصلوات
ملائکته وانبیائه و
رسله وجمیع خلقه
علی محمد وآل محمد
والسلام علیه وعلیهم
ورحمة الله وبرکاته

الهُدی وَالسَّلامَةَ فِی
هدایت و سلامت در

الدِّینِ وَالدُّنیا وَمسائِیٔ
دین و دنیا و شامگاه را

جُنَّةً مِنْ کَیْدِ العِدی
زره از مکر دشمنان

وَوِقایَةً مِنْ مُرْدِیاتِ الهَوی
و نگاهبان از مهلکات هوای نفس

اِنَّکَ قادِرٌ عَلی ما تَشاءُ
بدرستیکه توئی توانا بر هرچه که اراده کنی

تُؤْتِی المُلْکَ مَنْ تَشاءُ وَ
میدهی ملک را بهرکسی که میخواهی و

تَنْزِعُ المُلْکَ مِمَّنْ تَشاءُ
میستانی ملک را از هرکه میخواهی

وَتُعِزُّ مَنْ تَشَآءُ وَتُذِلُّ

وعزیز میداری هرکرا که میخواهی وذلیل میکنی

مَنْ تَشَآءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ اِنَّكَ

هرکرا میخواهی بدست تست نیکوئی بدرستیکه تو

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ تُوْلِجُ

برهرچیز توانائی داخل میکنی

اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُوْلِجُ النَّهَارَ

شب را در روز وداخل میکنی روز را

فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ

در شب وبیرون می آوری زنده را

مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ

از میت وبیرون می آوری مرده را

مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَآءُ

از زنده وروزی میدهی هرکرا میخواهی

بِغَيْرِ حِسَابٍ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

بے اندازہ وحساب نیست معبودی بکر تو

سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ

بپاکی یاد میکنم ترا خدایا و بستایش یاد کنم ترا

جَلَّ ثَنَاؤُكَ مَنْ ذَا يَعْرِفُ

بزرگست ثنای کیست آنکه بداند

قُدْرَتَكَ فَلَا يَخَافُ وَمَنْ ذَا

قدرت ترا پس نترسد از تو و کیست انکه

يَعْلَمُ مَا اَنْتَ فَلَا يَهَابُكَ

بداند پس نترسد از تو

اَلَّفْتَ بِقُدْرَتِكَ الْفِرَقَ

الفت دادی بقدرت خود هر فرقه را

وَفَلَقْتَ بِرَحْمَتِكَ الْفَلَقَ

و شکافتی برحمت خود صبحرا

وَأَنْزَلْتَ بِكَرَمِكَ دَاجِيَ

و فرود آوردی بکرم خود تاریکیهای

الْغَسَقِ وَانْهَرْتَ الْمِيَاهَ مِنَ الصُّمِّ

شب تار را و جاری ساختی آبها را از سنگ

الصَّيَاخِيدِ عَذْباً وَأُجَاجاً

بسیار سخت در حالتیکه بعضی شیرین و برخی تلخست

وَأَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً

و فرو فرستادی از ابرهای فشارنده بارانی

ثَجَّاجاً وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

بکثرت و شدت و گردانیدی آفتاب و ماه را

لِلْبَرِيَّةِ سِرَاجاً وَهَّاجاً مِنْ غَيْرِ

از برای خلق چراغ روشن بی آنکه

أَنْ تُمَارِسَ فِيمَا ابْتَدَأْتَ بِهِ

ممارست نمائی در آنچیزیکه ابتدا کرده بخلق آن

لغوبا

لَغْواً وَلا عِلاجاً فَيا مَنْ تَوَحَّدَ

لغو ونه معالجه را پس ای آنکسی یگانه تو

بِالْعِزِّ وَالْبَقاءِ وَقَهَرَ عِبادَهُ

در عز و بقا و قاهری بندگان خود را

بِالْمَوْتِ وَالْفَناءِ صَلِّ عَلى

بموت و فنا رحمت کن خدایا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَتْقِياءِ وَاسْمَعْ

محمد واهلبیت که پرهیزکارانند وبشنو

نِدائي وَأَهْلِكْ أَعْدائي وَ

ندای مرا وهلاک کن دشمنهای مرا و

اسْتَجِبْ دُعائي وَحَقِّقْ

قبول کن دعای مرا وثابت کن

بِفَضْلِكَ أَمَلي وَرَجائي

بفضل خود امید مرا وآرزوی مرا

يا خيرَ مَن دُعِيَ لِكَشْفِ الضُّرِّ و
اى بهترين آن كسى كه خوانده شود از براى دفع ضرر و

المأمولِ لِكُلِّ عُسْرٍ و يُسْرٍ بِكَ
طلب خير از براى هر دشوارى و هر آسانى بتو

أَنْزَلْتُ حاجتى فَلا تَرُدَّنى يا سيّدى
نازل كردم حاجت خود را پس رد مكن مرا اى آقاى من

يا سيّدى مِن سَنِيِّ مَواهِبِك
اى آقاى من از رفيعه بخششهاى خود

خائبًا يا كريمُ يا كريمُ يا كريمُ
نا اميد و بى بهره اى كريم اى كريم اى كريم

يا أرحمَ الرّاحِمين وصلّى الله
اى رحم كننده ترين رحم كنندگان و رحمت فرستد خدا

على خيرِ خلقِه سيّدنا محمّدٍ
بر بهترين خلق خود آقاى ما محمد

وآله

وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

و آل او که پاکانند

بخواند و روی بر زمین گذارد و این مناجات را دست بردارد بعد از آن

اِلٰهِی قَلْبِی مَحْجُوبٌ وَ نَفْسِی مَعْیُوبٌ

خدایا دل من مستور است و نفس من معیوب

وَعَقْلِی مَغْلُوبٌ وَهَوَائِی

و عقل من مغلوب است و خواهش نفس من

غَالِبٌ وَطَاعَتِی قَلِیلٌ وَ

غالب است و طاعتم اندکست

مَعْصِیَتِی کَثِیرٌ وَلِسَانِی مُقِرٌّ

نافرمانی من بسیار است و زبان من اقرار کننده است

بِالذُّنُوبِ فَکَیْفَ حِیلَتِی یَا عَلَّامَ

بگناهان پس چگونه باشد حیله من ای بسیار داننده

الْغُيُوبِ وَيَا سَتَّارَ الْعُيُوبِ
پنهانها وای پوشنده عیبها
وَيَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ اِغْفِرْ لِي
وای آمرزنده گناهان بیامرز مرا
ذُنُوبِي كُلَّهَا يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ
گناهان مرا همه آنها را ای آمرزنده ای آمرزنده
يَا غَفَّارُ يَا شَدِيدَ الْعِقَابِ
ای آمرزنده ای سخت عقوبت
يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ يَا حَلِيمُ يَا
ای آمرزنده ای مهربان ای بردبار ای
كَرِيمُ اِقْضِ حَاجَتِي بِحَقِّ
گرامی روا کن حاجت مرا بحرمت
الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَالنَّبِيِّ الْكَرِيمِ
قران بزرگ و نبی گرامی

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهٖ

درود بفرست بر محمد و آل او

أَجْمَعِينَ الطَّاهِرِينَ

همگی ایشان که پاکانند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

شَهِدَ اللّٰهُ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ

گواهی داده است خدا که نیست خدا مگر او

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ

که غالب و حکیم است بدرستیکه دین

عِنْدَ اللّٰهِ الْإِسْلَامُ وَأَنَا الْعَبْدُ

در نزد خدا اسلام است و من بنده ام

الضَّعِيفُ الْمِسْكِينُ الْحَقِيرُ

ناتوان درویش حقیر

الْمُحْتَاجُ الْفَقِيرُ أَشْهَدُ لِمُنْعِمِي

محتاج فقیر شهادت میدهم برای نعمت دهنده خود

وَخَالِقِي وَرَازِقِي وَمُكْرِمِي

و آفریننده خودم و روزی دهنده خودم و گرامی دارنده خودم

كَمَا شَهِدَ لِذَاتِهِ وَشَهِدَتْ

چنانکه گواهی داده است برای ذات خودش و گواهی داده‌اند

لَهُ الْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا

او را ملائکه و صاحبان

الْعِلْمِ مِنْ عِبَادِهِ بِأَنَّهُ لَا إِلَهَ

علم از بندگان خود بانکه نیست خدا

إِلَّا هُوَ ذُو النِّعَمِ وَالْإِحْسَانِ

مگر او صاحب نعمتها و صاحب احسان

وَالْكَرَمِ وَالْامْتِنَانِ قَادِرٌ

و کرم و صاحب نعمت توانا

ازلی

أَزَلِيٌّ عَالِمٌ أَبَدِيٌّ حَيٌّ أَحَدِيٌّ

بی اولست دانا است همیشه است زنده است یکتا

مُوجُودٌ سَرمَدِيٌّ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

صاحب وجود است بی اول و بی آخر شنوا است و بینا است

مُرِيدٌ كَارِهٌ مُدرِكٌ صَمَدِيٌّ

اراده کننده ناخوش دارنده ادراک کننده است چیزی از وی برون نامد

يَستَحِقُّ هٰذِهِ الصِّفَاتِ وَهُوَ

لایقست این صفتها را و او

عَلَىٰ مَا هُوَ عَلَيهِ فِي عِزِّ صِفَاتِهِ

بر آنچه او بر آنست در عزت صفتهای خود

كَانَ قَوِيًّا قَبلَ وُجُودِ القُدرَةِ

بوده است توانا پیش از هستی قدرت

وَالقُوَّةِ وَكَانَ عَلِيمًا قَبلَ

و توانائی و بوده است دانا پیش

اِيجَادِ العِلْمِ وَالعِلَّةِ لَمْ يَزَلْ

از آفریدن دانائی و علت همیشه بوده است

سُلْطَانًا اِذْ لاَ مَمْلَكَةَ وَلاَ مَالَ

پادشاه وقتیکه نه مملکت بوده است و نه مال

وَلَمْ يَزَلْ سُبْحَانًا عَلَى جَمِيعِ الأَحْوَالِ

همیشه بوده است منزه بر همگی حالها

وُجُودُهُ قَبْلَ القَبْلِ فِي أَزَلِ

هستی او پیش از پیش است در ازل

الآزَالِ وَبَقَاؤُهُ بَعْدَ البَعْدِ

ازلها و ماندن او بعد از بعد است

مِنْ غَيْرِ اِنْتِقَالٍ وَلاَ زَوَالٍ غَنِيٌّ

بیحرکت و نقل و بیزوال توانگر است

فِي الأَوَّلِ وَالآخِرِ مُسْتَغْنٍ فِي

در پیش و آخر بی نیاز است در

الذا

*

الظَّاهِرِ وَالْبَاطِنِ لَا جَوْرَ فِي

ظاهر و باطن نیست ظلم در

قَضِيَّتِهِ وَلَا مَيْلَ فِي مَشِيَّتِهِ

حکم او و نیست حیف و میل در خواهش او

وَلَا ظُلْمَ فِي تَقْدِيرِهِ وَلَا مَهْرَبَ

و نیست ظلم در تقدیر کردن او و نیست گریز

مِنْ حُكُومَتِهِ وَلَا مَلْجَأَ مِنْ

از حکومت او و نیست پناهی از

سَطَوَاتِهِ وَلَا مَنْجَا مِنْ نَقِمَاتِهِ

سطوتهای او و نیست نجاتگاهی از عقوبتهای او

سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ وَلَا

پیشی گرفته است رحمت او بغضب او و

يَفُوتُهُ أَحَدٌ إِذَا طَلَبَهُ أَزَاحَ

فوت نمیکند اورا احدی وقتیکه بطلبد اورا زایل

الْعِلَلَ فِی التَّکْلِیفِ وَسَوَّی
گرده است علتها را در تکلیف و برابر کرده است
التَّوْفِیقَ بَیْنَ الضَّعِیفِ وَالشَّرِیفِ
توفیق را میان وضیع و شریف
مَکَّنَ اَدَاءَ الْمَأْمُورِ وَسَهَّلَ
توفیق داده است باداکردن مامورات و آسان کرده است
سَبِیلَ اجْتِنَابِ الْمَحْظُورِ لَمْ یُکَلِّفِ
راه پرهیز کردن از منهیات تکلیف نکرده است
الطَّاعَةَ اِلَّا دُونَ الْوُسْعِ وَالطَّاقَةِ
اطاعت کردن را مگر در کم و اندک وسعت و طاقت
سُبْحَانَهُ مَا اَبْیَنَ کَرَمَهُ وَاَعْلَی
منزه است او چه واضحست کرم او و چه بزرگست
شَأْنَهُ سُبْحَانَهُ مَا اَجَلَّ نَیْلَهُ
شان او منزه است او چه بزرگ کرده است انعام او را

واعظم

وَاَعظَمَ اِحسَانَهُ بَعثَ الاَنبِیَآءَ

وچه بزرگ کرده است احسان اورا فرستاد انبیارا

لِیُبَیِّنَ عَدلَهُ وَنَصَبَ الاَوصِیَآءَ

تا اشکار کند عدالت خودرا ونصب کرد وصی هارا

لِیُظهِرَ طَولَهُ وَفَضلَهُ وَجَعَلَنَا

تا اظهار کند احسان خود وفضل خودرا وکردانید مارا

مِن اُمَّةِ سَیِّدِ الاَنبِیَآءِ وَخَیرِ

از امت اقای پیغمبران بهترین

الاَولِیَآءِ وَاَفضَلِ الاَصفِیَآءِ

صاحب اختیاران وافضل صفی ها

وَاَعلَی الاَزکِیَآءِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ

وبرترین ترکیب که محمد است درود فرستد خدا

عَلَیهِ وَآلِهِ اٰمَنَّا بِهِ وَبِمَا دَعَانَا

براو وال او ایمان آوردیم باو وبانچه دعوت کرد

اِلَیهِ وَبِالْقُرْاٰنِ الَّذِی اَنْزَلَهُ

بسوی آن و بقرآنی که فرستاد از ا

عَلَیهِ وَبِوَصِیِّهِ الَّذِی نَصَبَهُ

بر او و بوصی او که نصب کرد او را

یَوْمَ الْغَدِیرِ وَاَشَارَ بِقَوْلِهِ

روز غدیر خم و اشاره کرد بقول خود که

هٰذَا عَلِیٌّ اِلَیهِ وَاَشْهَدُ اَنَّ

این علیست بسوی او و گواهی میدهم بدرستیکه

اَلْاَئِمَّةَ الْاَبْرَارَ وَالْخُلَفَاءَ

امامان نیکوکار و خلیفهای

الْاَخْیَارَ بَعْدَ الرَّسُولِ الْمُخْتَارِ

بهتر از مردمان بعد از پیغمبر برگزیده

عَلِیٌّ قَامِعُ الْکُفَّارِ وَمِنْ

حضرت علیست قلع و قمع کننده کافران و از

بعده

بَعدَہٗ سَیّدُ اَوْلادِہِ الْحَسَنُ
بعد او آقای فرزندان او امام حسن

بنُ عَلیٍّ ثُمَّ اَخُوہُ السِّبطُ التَّابِعُ
پسر علی بعد ازان برادر او نواده پیروی کننده

لِمَرضَاتِ اللهِ الْحُسَیْنُ ثُمَّ الْعَابِدُ
خشنودی خدا را امام حسین بعد ازان امام زین العابدین

عَلِیٌّ ثُمَّ الْبَاقِرُ مُحَمَّدٌ ثُمَّ الصَّادِقُ
علی بعد ازان امام باقر که محمد است پس حضرت صادق

جَعْفَرٌ ثُمَّ الْکَاظِمُ مُوسٰی ثُمَّ
که جعفر است پس حضرت کاظم که موسی است پس

الرِّضَا عَلِیٌّ ثُمَّ التَّقِیُّ مُحَمَّدٌ
حضرت امام رضا که علی است پس تقی که محمد است

ثُمَّ النَّقِیُّ عَلِیٌّ ثُمَّ الزَّکِیُّ الْعَسْکَرِ
پس حضرت نقی که علی است پس حضرت زکی عسکری

الحسن ثم الخلف الحجة القائم

که حسن است پس خلف حجت قیام کننده

المنتظر المهدی المرجی الذی

انتظار کشیده شده [illegible] مهدی سبب امید داشته شده که

ببقائه بقیت الدنیا و بیمنه

ببقای او باقیست دنیا و بیمن او

رزق الوری و بوجوده ثبتت

روزی داده میشود مردمان و بوجود او ثابت مانده

الارض والسماء به یملؤ

زمین و آسمان بسبب او پر میکند

الله الارض قسطا وعدلا

خدا زمین را از قسط و عدل

بعد ما ملئت ظلما وجورا

بعد از آنکه پر شده باشد از ظلم و جور

واشهد

وَأَشْهَدُ أَنَّ أَقْوَالَهُمْ حُجَّةٌ

وگواهی میدهم بدرستیکه سخنهای ایشان حجتست

وَامْتِثَالَهُمْ فَرِيضَةٌ وَطَاعَتَهُمْ

وفرمان برداری ایشان واجبست واطاعت ایشان

مَفْرُوضَةٌ وَمَوَدَّتَهُمْ لَازِمَةٌ

واجب کرده شده ودوستی ایشان لازم

مَقْضِيَّةٌ وَالْاِقْتِدَاءُ بِهِمْ مُنْجِيَةٌ

وواجبست وپیروی کردن بایشان نجات دهنده است

وَمُخَالَفَتَهُمْ مُرْدِيَةٌ وَهُمْ

ومخالفت کردن بایشان هلاک کننده است وایشان

سَادَاتُ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ

آقایان اهل بهشت است کلا وطرا

وَشُفَعَاءُ يَوْمِ الدِّينِ وَأَئِمَّةُ

شفیعان روز جزا اند وپیشوایان

اهل الارض علی الیقین

اهل زمین اند بر قطع و یقین

وافضل الاوصیاء المرضیین

و بهترین وصیها پسندیده کانند

واشهد ان الموت حق والقبر

و گواهی میدهم بدرستیکه مرگ حق است و قبر

حق ومسائلة منکر ونکیر

حقست و پرسیدن منکر و نکیر

فی القبر حق والبعث حق

در قبر حقست و زنده شدن حقست

والنشور حق والصراط حق

وبحشر دادن حقست و صراط حق است

والمیزان حق والحساب حق

و میزان حق است و حساب حق است

والکتاب

وَالْكِتَابَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ
ونامه اعمال حق است وبهشت

حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ
حق است واتش حق است وانیکه قیامت

آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللّٰهَ
امدنی است شک نیست دران وبدرستیکه خدا

يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ اَللّٰهُمَّ
زنده میکند انانیکه در قبرهاییند الخدای را

فَضْلُكَ رَجَائِي وَكَرَمُكَ
فضل تو امید من است وکرم تو

وَرَحْمَتُكَ وَعَفْوُكَ أَمَلِي
ورحمت تو وگذشت تو ارزوی من است

لَا عَمَلَ لِي أَسْتَحِقُّ بِهِ الْجَنَّةَ
نیست عملی مرا که مستحق شوم بان بهشت را

وَلَا طَاعَةَ لِي اَسْتَوْجِبُ بِهَا

و نیست طاعتی مرا که لایق شوم بآن

الرِّضْوَانَ اِلَّا اَنِّي اَعْتَقَدْتُ

خشنودی ترا مگر اینکه برستیکه در دل داشته‌ام

تَوْحِيدَكَ وَعَدْلَكَ وَارْ

یکانگی ترا و عدالت ترا

تَجَيْتُ اِحْسَانَكَ وَفَضْلَكَ

امید داشته‌ام احسان ترا و فضل ترا

وَتَشَفَّعْتُ اِلَيْكَ بِالنَّبِيِّ

و شفیع کرده‌ام بسوی تو پیغمبر را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَاَوْصِيَائِهِ

درود فرستد خدا بر او و آل او و وصیهای او را

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ اَحِبَّتِكَ وَ

بر ایشان باد سلام از دوستان تو و

أَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ وَأَرْحَمُ

تو کرامترین کرامیانی ورحم کننده‌ترین

الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى خَيْرِ

رحم کننده‌گانی درود فرستد خدا بر بهترین

خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

خلق خود محمد وال او همه ایشان

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَا حَوْلَ

که پاکیزه‌گانند و پاکانند ونیست حول

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

ونه قوه مگر بخدای بزرگ صاحب عظمت

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وستایش مر خدا راست پروردگار عالمیان

اَللّٰهُمَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِنِّي

ای خدای من ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان بدرستیکه

اَوْدَعْتُكَ يَقِيْنِىْ هٰذَا وَ

من امانت گذاشتم نزد تو یقین خودم را که اینست و

ثُبَاتَ دِيْنِىْ وَاَنْتَ خَيْرُ

ثابتی دین خودم را و تو بهترین

مُسْتَوْدَعٍ وَقَدْ اَمَرْتَنَا بِحِفْظِ

ودیعت و امانت گذاشتگاهی و بتحقیق امر کرده ما را بنگاهداشتن

الْوَدَائِعِ فَرُدَّهُ عَلَىَّ وَقْتَ حُضُوْرِ

امانتها پس رد کن او را بر من وقت حاضر شدن

مَوْتِىْ وَعِنْدَ مَسْئَلَةِ مُنْكَرٍ

مرگ من و در نزد سؤال کردن منکر

وَنَكِيْرٍ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ

و نکیر برحمت خود ای رحم کننده ترین

الرَّاحِمِيْنَ ثُمَّ ذِكْرِ مُعَقِّبِ الظُّهْرِ

رحم کنندگان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَظِیْمُ الْحَلِیْمُ

نیست خدا مگر خدای بزرگ بردبار

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّ الْعَرْشِ

و نیست خدا مگر خدای پروردگار عرش

الْکَرِیْمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ

گرامی و ستایش مر خدا راست که پروردگار

الْعَالَمِیْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ

عالمیانست ای خدای من بدرستی که سؤال میکنم از تو

مُوْجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَعَزَائِمَ

باعثهای رحمت ترا و عزیمتهای

مَغْفِرَتِكَ وَالْغَنِیْمَةَ مِنْ كُلِّ

آمرزش ترا و غنیمت در هر نیکی

بِرٍّ والسلامةَ من كلِّ اثمٍ

نیکی و سلامت در هر گناهی

اللّهمّ لا تدع لی ذنباً الّا

خدایا مگذار برای من گناهی مگر آنکه

غفرتَه ولا همّاً الّا فرّجته

بیامرزی آنرا و نه غمی مگر آنکه زایل کنی آنرا

ولا کرباً الّا کشفته ولا سقماً

و نه اندوهی مگر آنکه بگشائی آنرا و نه مرضی

الّا شفیته ولا عیباً الّا سترته

مگر آنکه شفا دهی آنرا و نه عیبی مگر آنکه بپوشانی آنرا

ولا رزقاً الّا بسطته ولا دیناً

و نه روزی مگر آنکه پهن کنی آنرا و نه قرضی

الّا قضیته ولا خوفاً الّا

مگر آنکه ادا کنی آنرا و نه ترسی مگر آنکه

أَمْنَتَهُ وَلَا سُوءَ اِلَّا صَرَفْتَهُ
ایمن کنی مرا از ان ونه بدی مگر اینکه بگردانی از ا

وَلَا حَاجَةً لَكَ رِضًا وَلِيَ فِيهَا
ونه حاجتی که انحاجت ترا خوشنودی باشد ومرا در ان

صَلَاحٌ اِلَّا قَضَيْتَهَا يَا اَرْحَمَ
صلاح باشد مگر انکه روا کنی از ا ای رحم کننده ترین

الرَّاحِمِينَ اٰمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ
رحم کنندگان مستجاب کن ای پروردگار عالمیان

تعقیب نماز عصر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ
امرزش میخواهم از خدائیکه نیست خدا

إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمٰنُ

مگر او که زنده است و پاینده است بخشاینده

الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

مهربان صاحب بزرگی و کرامت

وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ

و من خواهم از او که قبول کند توبه مرا توبه کردن

عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ

بنده خوار شکستگی کننده بیچیز

مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ

گدای زاری کننده که مالک نباشد برای نفس خویش

نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا

نفعی را و نه ضرری را و نه مرگی را و نه

حَيٰوةً وَلَا نُشُورًا

زندگی را و نه زنده شدن بعد از مرگ

تعقیب نماز مغرب

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی یُولِجُ اللَّیْلَ
ستایش مر خدای راست که داخل میکند شب را

فِی النَّهارِ وَ یُولِجُ النَّهارَ فِی
در روز و داخل میکند روز را در

اللَّیْلِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ کُلَّما وَقَبَ
شب ستایش مر خدای راست چندانکه تیره شود

لَیْلٌ وَ غَسَقَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ
شب و تاریک شود و ستایش خدای راست

کُلَّما لاحَ نَجْمٌ وَ خَفَقَ
چندانکه ظاهر شود کوکبی و غایب شود

تعقیب نماز عشا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اُعِیذُ نَفْسِی وَ ذُرِّیَّتِی وَ دِینِی

پناه میدهم نفس خودم را و فرزندان خودم را و دین خودم را

وَ اَهْلِی وَ مَالِی بِکَلِمَاتِ

و اهل خودم را و مال خودم را بکلمه های

اللّٰهِ التَّامَّاتِ مِنْ کُلِّ

خدا که تمامند از هر

شَیْطَانٍ مَارِدٍ وَ هَامَّةٍ

شیطانی و گزنده

وَ مِنْ کُلِّ عَیْنٍ لَامَّةٍ

و از هر چشم [illegible]

تعقیب نماز صبح

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

أَصْبَحْتُ بِذِمَّةِ اللهِ وَذِمَمِ

صبح کردم بعهدهای خدا وعهدهای

أَنْبِیائِهِ وَذِمَمِ رُسُلِهِ عَلَیْهِمُ

پیغمبران وعهدهای رسولان بر ایشان باد

السَّلامُ وَذِمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ

سلام وعهد محمد درود فرستد خدا

عَلَیْهِ وَآلِهِ وَذِمَمِ الْأَوْصِیاءِ

براو وآل او وعهدهای وصیها

عَلَیْهِمُ السَّلامُ آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ

بر ایشان باد سلام ایمان آوردم بپنهان ایشان

وعلانيتهم وشاهدهم و

وظاهر ايشان وحاضر ايشان

غائبهم واشهد انهم في

غايب ايشان وشهادت ميدهم كه ايشان در

علم الله وطاعته لمحمد صلى

علم خدا وطاعت خدااند محمد درود وفرستد

الله عليه والسلام عليهم

خدا بر محمد وسلام باد بر ايشان

كه هر كه روز صبح وقت ديدن ماه نو نظر باين اسما مبارك كند

بنمايد از روز و ماه و سال او خوش گذرد

بسم الله الرحمن الرحيم

اَللهُ مُحَمَّدٌ عَلِيٌّ فَاطِمَةُ

اَلْحَسَنُ اَلْحُسَيْنُ عَلِيٌّ

مُحَمَّدٌ جَعْفَرٌ مُوسٰی

عَلِيٌّ مُحَمَّدٌ عَلِيٌّ حَسَنٌ

مُحَمَّدٌ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّصَلِّ

عَلٰی اَشْيَاعِهِمْ وَ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمْ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام
خداوند بخشاینده و مهربان

رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا
راضی شده‌ام بپروردگاری خدا و بردین گردن دین اسلام را

وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَ
و بپیغمبری محمد و بر کتاب بودن قرآن

بِعَلِيٍّ إِمَامًا وَبِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ
بر امام بودن علی و بر امامت حسن و بر امامت حسین و بر امامت

ابْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ
علی ابن الحسین زین العابدین و بر امامت محمد بن علی الباقر و جعفر بن

مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ
محمد الصادق و بر امامت موسی بن جعفر علیه السلام و بر امامت علی بن

مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ
موسی الرضا و بر امامت محمد بن علی التقی و بر امامت علی بن محمد النقی

وَالْحَسَنِ

وَالحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ وَالحُجَّةِ بْنِ الحَسَنِ صَاحِبِ

و بر امامت حسن بن علی العسکری و بر امامت حجه بن الحسن که صاحب

الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

الزمانست رحمتهای خدای عز و جل بر او و بر ایشان

أَجْمَعِينَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَوْدَعْتُكَ هٰذَا

جمیعا باد خداوندا بدرستی من امانت گذاردم نزد تو اینرا

الإِقْرَارَ بِكَ وَبِالنَّبِيِّ وَبِالأَئِمَّةِ

اقرار مرا بر تو و بر نبی تو و بر ائمه هدی

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَنْتَ خَيْرُ مُسْتَوْدَعٍ

علیهم السلام و تو خداوندا بهتر امانت نگاه دارنده

فَرُدَّهُ عَلَيَّ وَقْتَ سُؤَالِ مُنْكَرٍ

پس برگردان امانت مرا بر من در وقت سؤال منکر

وَنَكِيرٍ فِي القَبْرِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و نکیر در قبر برحمت خود ای خداوند ارحم الراحمین

لعن صنمی قریش

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایتست که هر کس

این لعنت را بعد از هر نماز بخواند چنانست

که در غزوه بدر و حنین و احد هزار تیر بر مشرکین

انداخته باشد

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اللهم صل علی محمد و آل

خدایا رحمت کن بر محمد و آل

محمد

مُحَمَّدٍ وَالْعَنْ صَنَمَیْ قُرَیْشٍ

محمد لعن کن دو بت قریشرا

وَجِبْتَیْهِمَا وَطَاغُوتَیْهِمَا وَ

اِفْکَیْهِمَا وَابْنَتَیْهِمَا الَّذَیْنَ خَالَفَا

و دو دختران انهارا انچنان کسانی

اَمْرَکَ وَاَنْکَرَا وَحْیَکَ

که مخالفت کردند امر تورا و انکار کردند وحی ترا

وَجَحَدَا اِنْعَامَکَ وَعَصَیَا

و انکار کردند نعمتهای ترا و اطاعت نکردند

رَسُوْلَکَ وَقَلَبَا دِیْنَکَ

رسول ترا و برگردانیدند دین ترا

وَحَرَّفَا کِتَابَکَ وَاَحَبَّا

و تغیر و تبدیل کردند کتاب ترا و دوست داشتند

أَعْدَائَكَ وَجَحَدَا آلَائَكَ
دشمنان ترا وانکار کردند نعمتهای ترا

وَعَطَّلَا أَحْكَامَكَ وَأَبْطَلَا
ومعطل گذاشتند حکمهای ترا وباطل کردند

فَرَائِضَكَ وَأَلْحَدَا فِي آيَاتِكَ
واجبهای ترا والحاد کردند در نشانهای ترا

وَعَادَيَا أَوْلِيَائَكَ وَوَالَيَا
ودشمنی داشتند دوستان ترا ودوست داشتند

أَعْدَائَكَ وَخَرَّبَا بِلَادَكَ
دشمنان ترا وخراب کردند بلاد ترا

وَأَفْسَدَا عِبَادَكَ اَللّٰهُمَّ
وناچیز کردند بندگان ترا خدایا

اَلْعَنْهُمَا وَأَتْبَاعَهُمَا وَ
لعنت کن ان دو تا را وتابعان ان دو تا را

وَأَوْلِيَاءَهُمَا وَأَشْيَاعَهُمَا

و دوستان آن دو تا را و شیعیان آن دو تا را

وَمُحِبِّيهِمَا فَقَدْ أَخْرَبَا بَيْتَ

و دوستان آن دو تا را پس بتحقیق خراب کردند خانه

النُّبُوَّةِ وَرَدَمَا بَابَهُ وَنَقَضَا

پیغمبری را و سد کردند در آنخانه را و شکستند

سَقْفَهُ وَأَلْحَقَا سَمَاءَهُ بِأَرْضِهِ

سقف آنخانه را و ملحق کردند آسمان یعنی سقف آنرا بزمین آنخانه

وَعَالِيَهُ بِسَافِلِهِ وَظَاهِرَهُ

و بالای آنرا بپائین آن و ظاهر آنخانه را

بِبَاطِنِهِ وَاسْتَأْصَلَا أَهْلَهُ

بباطن آن و از بیخ برکندند اهل آنخانه را

وَأَبَادَا أَنْصَارَهُ وَقَتَلَا أَطْفَالَهُ

و هلاک کردند یاری کنندگان آنرا و کشتند اطفال آنرا

وَأَخْلَيَا مِنْبَرَهُ مِنْ وَصِيِّهِ

وخالی کردند منبر او را یعنی پیغمبر را از وصی او

وَوَارِثِ عِلْمِهِ وَجَحَدَا إِمَامَتَهُ

ووارث محکم او وانکار کردند امامت وصی او را

وَأَشْرَكَا بِهِمَا فَعَظِّمْ ذَنْبَهُمَا

وشریک قرار دادند با خدای خودشان پس بزرگ کن خدایا گناهان ایشان را

وَخَلِّدْهُمَا فِي سَقَرَ وَمَا أَدْرَاكَ

ومخلد گردان ایشان را در جهنم وچه میدانی تو

مَا سَقَرُ لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ

چه جائیست جهنم باقی نمیگذارد و وا نمیگذارد

اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ بِعَدَدِ كُلِّ

خداوندا لعنت کن ایشان را بشماره هر

مُنْكَرٍ أَتَوْهُ وَحَقٍّ أَخْفَوْهُ

منکری که آتیان کردن او را وحقی که پنهان کردند

وَمِنبَرٍ عَلَوْهُ وَمُؤْمِنٍ أَرْجَوْهُ

و منبری که بالا رفته شد و مؤمنی که دور گردند اورا

وَمُنافِقٍ وَلَّوْهُ وَوَلِيٍّ آذَوْهُ

و منافقی که دوست داشتند اورا و دوستی را که آزار رسانیدند

وَطَرِيدٍ آوَوْهُ وَصادِقٍ طَرَدُوهُ

و رانده شده که جا دادند و راستگوئی که راندند اورا

وَكافِرٍ نَصَرُوهُ وَإمامٍ قَهَرُوهُ

و کافری که نصرت و یاری کردند او را و امامی که مقهور کردند اورا

وَفَرْضٍ غَيَّرُوهُ وَأَثَرٍ أَنْكَرُوهُ

و واجبی که تغییر دادند اورا و طریقه که منکر شدند او

وَشَرٍّ آثَرُوهُ وَدَمٍ أَراقُوهُ و

و شری که اختیار کردند اورا و خونی که ریختند اورا و

خَبَرٍ بَدَّلُوهُ وَكُفْرٍ نَصَبُوهُ و

و خبری که بدل کردند و کفری که بپا داشتند اورا

وَ إِرْثٍ غَصَبُوهُ وَ فَيْءٍ

و ارثی که غصب کردند اورا و مال پیغمبر

اقْتَطَعُوهُ وَ سُحْتٍ أَكَلُوهُ

که بریده‌اند اورا و حرامی که خوردند اورا

وَ خُمْسٍ اسْتَحَلُّوهُ وَ بَاطِلٍ أَسَّسُوهُ

و خمسی که حلال دانستند و باطلی که بنا گذاشتند اورا

وَ جَوْرٍ بَسَطُوهُ وَ نِفَاقٍ أَسَرُّوهُ

و جوری که پهن کردند اورا و نفاقی که پنهان داشتند

وَ غَدْرٍ أَضْمَرُوهُ وَ ظُلْمٍ نَشَرُوهُ

و غدری که پوشیده داشتند اورا و ظلمی که پهن کردند اورا

وَ وَعْدٍ أَخْلَفُوهُ وَ أَمَانٍ خَانُوهُ

و وعده که خلف کردند اورا و امانی که خیانت کردند

وَ عَهْدٍ نَقَضُوهُ وَ حَلَالٍ حَرَّمُوهُ

و پیمانی که شکستند اورا و حلالی که حرام گردانیدند اورا

وَحَرامٍ اَحَلُّوهُ وَبَطْنٍ فَتَقُوهُ

وحرامی که حلال کردند او را وشکمی که شکافتند او را

وَصَكٍّ خَزَّقُوهُ وَضِلْعٍ دَقُّو

ونوشته که خائیدند او را واستخوان پهلوئی که کوفتند او را

وَشَمْلٍ بَدَّدُوهُ وَعَزيزٍ اَذَلُّوهُ

وجمعیتی که حا هر کردند وعزیزی که ذلیل کردند او را

وَذَليلٍ اَعَزُّوهُ وَحَقٍّ مَنَعُوهُ

وذلیلی که عزیز کردند او را وحقی که منع کردند او را

وَكِذْبٍ دَلَّسُوهُ وَحُكْمٍ

ودروغی که راست دانستند وحکمی که

قَلَبُوهُ اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ بِكُلِّ

قلب کردند خداوندا لعنت کن ایشان را بعدد هر

آيَةٍ حَرَّفُوها وَفَريضَةٍ تَرَكُوها

آیتی که سوزانیدند وواجبی که ترک کردن او را

وَسُنَّةٍ غَيَّرُوهَا وَرُسُومٍ

و طریقه که تغیر دادند اورا و علامتی که

مَنَعُوهَا وَأَحْكَامٍ عَطَّلُوهَا

منع کردند اورا و احکامیکه معطل کردند اورا

وَبَيْعَةٍ نَكَثُوهَا وَدَعْوَى

و بیعتی که شکستند اورا و دعوائی که

أَبْطَلُوهَا وَبَيِّنَةٍ أَنْكَرُوهَا

ابطل کردند انرا و شاهدی که انکار کردند انرا

وَحِيلَةٍ أَحْدَثُوهَا وَخِيَانَةٍ

و حیله که احداث کردند انرا و خیانتی که

أَوْرَدُوهَا وَعَقَبَةٍ ارْتَقَوْهَا

وارد ساختند انرا و گردنه که بالا رفتند

وَدِبَابٍ دَحْرَجُوهَا وَأَزْيَافٍ

و دبهائیکه غلطانیدند انهارا و ازیافی که

لَزِمُوهَا وَشَهَادَاتٍ كَتَمُوهَا

لازم داشتند و شهاداتیکه پوشانیدند

وَوَصِيَّةٍ ضَيَّعُوهَا اَللّٰهُمَّ

و وصیتی که ضایع کردند ای خداوندا

اَلْعَنْهُمَا فِي مَكْنُونِ السِّرِّ

لعنت کن اندوتارا در پنهانی

وَظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ لَعْنًا

و ظاهر و هویدا لعنی که اضعاف دارد

كَثِيرًا اَبَدًا دَائِمًا سَرْمَدًا

بسیار همیشگی دائمی مینت

لَا انْقِطَاعَ لِاَمَدِهِ وَلَا نَفَادَ

انقطاعی از برای گسستن آن و نیست شدنی از برای

لِعَدَدِهِ لَعْنًا يَعُدُّ اَوَّلَهُ

شماره آن لعنی که بامداد باشد اول آن

وَلَا یَرُوحُ اَخُو شَمِّهِمْ وَلَا عَوَالِیهِمْ

مشامی اخرازا ازبرای واعوان ایشان

وَاَنْصَارِهِمْ وَمُحِبِّیهِمْ وَمَوَالِیهِمْ

وازبرای یاری کنندگان و دوستان ایشان و موالیان

وَالنَّاهِضِینَ بِاحْتِجَاجِهِمْ وَ

وراست شوندگان بحجتهای ایشان

الْمُقْتَدِینَ بِکَلَامِهِمْ

اقتدا کنندگان بکلام ایشان

وَالْمُصَدِّقِینَ بِاَحْکَامِهِمْ

وتصدیق کنندگان بحکمهای ایشان

بعد از این خطاب با ربّ گو

اَللّٰهُمَّ عَذِّبْهُمْ عَذَاباً یَسْتَغِیثُ

خداوندا عذاب کن ایشانرا از عذابی که طلب فریادرسی کند

منه